

#### نگاهی به آینده

مطالعات دانشگاهی در سال‌های اخیر در ایران همان‌طور که توضیح دادیم، درحال تکوین و توسعه است. تا اینجا من تلاش کردم برخی چالش‌هایی که در مسیر شکل‌گیری و توسعه این مطالعات در ایران وجود دارد را تا حدودی توصیف و تحلیل کنم. در ادامه می‌خواهم چشم‌انداز آینده و تحولاتی که ضرورتاً ما به آن نیاز داریم را توضیح دهم.

مطالعات دانشگاهی در ایران از جهات گوناگونی آمادگی دارد تا به تحولاتی که اشاره می‌کنم، پاسخ دهد. امروزه دانشگاه ایران از گستره جغرافیایی خوبی برخوردار است. در تمام شهرهای بزرگ و کوچک، نهادهای آموزش عالی اعم از دولتی، آزاد، غیرانتفاعی، پیام‌نور و مجازی شکل‌های گوناگونی دارند. مطالعات دانشگاهی در ایران اگر بخواهد پاسخگوی نیازهای ملی و همه‌جانبه‌ما باشد باید الگوهای مطالعات و یک دستورکار فکری را مدنظر قرار دهد تا تنوع امروز دانشگاه‌ها را در برگیرد.

#### محدود به دانشگاه‌های تهرانی نشویم

یکی از مشکلاتی که اکنون برای مطالعات دانشگاهی در ایران وجود دارد، محدود کردن آنها به دانشگاه‌های دولتی استان تهران آن‌هم بر مبنای داده‌های تجربی از دانشگاه‌های بزرگ شهر تهران است. ما برای آنکه مسائل و چالش‌هایی را که دانشگاه با آن روبرو است بشناسیم، باید با مطالعه نقش و جایگاهی که دانشگاه در هر منطقه از ایران ایفا می‌کند به این امر بپردازیم. مطالعات دانشگاهی در ایران درصورتی می‌تواند از وضعیت‌نوعی مطالعات نظری و... عملی بیرون آید که به صورت منطقه‌ای یا محلی درآمد و در بستر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خاص دانشگاه‌ها مطالعه کند و چالش‌های آن را توضیح دهد. در تمام دوره‌های گذشته مطالعات دانشگاهی در ایران به صورت کلی یا به بیان دقیق‌تر به شکل مطالعات دانشگاهی در بستر ایران‌زمین رشد کرده است. این نوع مطالعات اگرچه توجه به نهاد دانشگاه را فراهم کرده است اما همچنان از پاسخگویی به پرسش‌های بنیادینی که ما برای بهبود وضعیت آموزش و پژوهش و مدیریت و سیاستگذاری آموزش عالی نیاز داریم، ناتوان است.

#### دسته‌بندی کلی از مطالعات انجام‌شده پیرامون دانشگاه

مطالعات دانشگاهی در ایران عمدتاً در چند محور کلی تاکنون گسترش یافته است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم، این مطالعات بیشتر به صورت کلی و ذیل مقولات دیگر گنجانده شده است:

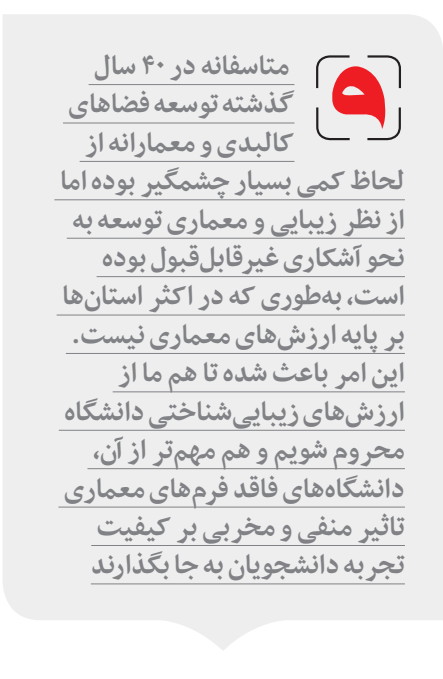
الف: مطالعات علم که ما امروز در زمینه رشته‌های تحصیلی، آموزش عالی با آن سروکار داریم، به نوعی بر پایه تجزیه و تحلیل علم در ایران است. منظور از وضعیت علم این است که این مطالعات حول سئوالاتی هستند مانند اینکه علم بومی چه ویژگی‌هایی دارد؟ چگونه می‌توان میزان خلق، آفرینش و تولید علم را ارتقا داد؟ چگونه می‌توان از علم برای بهبود اقتصاد یا کیفیت جامعه و حل مسائل آن استفاده کرد؟ در واقع پرسش‌هایی درباره وضعیت علمی و فلسفی جدید و میراث فرهنگی ما وجود دارد. مطالعات علم با علم‌پژوهی که در تمام دهه‌های اخیر در حوزه‌های گوناگون فلسفی، شناختی، تاریخی، گسترش پیدا کرده‌اند، می‌توانند کمک کنند تا مبانی نظری روشن‌تری برای بهبود وضعیت علم و دانشگاه داشته باشیم. مطالعات علمی نمی‌تواند پرسش‌های نهاد دانشگاه را که به آنها اشاره کردیم، به‌طور دقیق پاسخ دهد. این مطالعات یعنی علم‌پژوهی، قادر نیست به تنهایی به نیازها و مسائلی که نهاد دانشگاه دارد، پاسخ درخور و قابل‌قبولی ارائه کند. درنتیجه به‌دنبال گسترش علم‌پژوهی در دهه‌های اخیر ما به نوعی شاهد سیطره و هژمونی علم‌پژوهی هستیم. اگر می‌خواهیم مطالعات دانشگاهی را گسترش دهیم، باید نوعی چشم‌انداز انتقادی به علم‌پژوهی ارائه کنیم؛ چشم‌اندازی که در آن مطالعات دانشگاهی، قلمرو مطالعاتی متمایز از علم‌پژوهی باشد، در غیر این‌صورت حتی مطالعات علم‌پژوهی نیز ناقص خواهد بود.

#### مطالعات علم‌پژوهی چه زمانی مفید است؟

مطالعات دانشگاهی نتوانسته به‌طور هم‌زمان با مطالعات علم‌پژوهی گسترش یابد. مطالعات علم‌پژوهی، زمانی می‌تواند به صورت عملی برای جامعه ما مفید باشد که همگام با آن، مطالعات دانشگاهی رشد یابد و از درون مطالعات دانشگاهی است که می‌توانیم دستاوردهای علم‌پژوهی را مشخص کنیم. مطالعات دانشگاهی در حالت کنونی آن در زری سایه علم‌پژوهی قرار گرفته و این موضوع باعث نوعی فهم کزتابانه از آموزش عالی شده است. اگر ما این واقعیت را در نظر داشته باشیم که مطالعات علم‌پژوهی ماهیتاً و عمدتاً حوزه بحث‌های نظری،

فلسفی و مفهومی را شکل می‌دهد، در آن صورت می‌توانیم این نکته تلخ را بیشتر دریابیم که چرا به‌رغم برگزاری انبوهی از همایش‌ها، نشست‌ها، انتشار کتاب‌ها و مقالات بسیار در ۴۰ سال گذشته، ما نتوانسته‌ایم آرزوهای خود را برای توسعه علمی تحقق بخشیم. ما باید به این آگاهی انتقادی برسیم که علم‌پژوهی بدون توسعه مطالعات دانشگاهی نمی‌تواند زمینه توسعه علمی را فراهم کند. از طرف دیگر علم‌پژوهی در ایران در دهه‌های اخیر نتوانسته رشد متوازنی پیدا کند. عمده مطالعات علم‌پژوهی ما حول وحوش مسائل فلسفی سامان پیدا کرده است. از این‌رو پرسش‌های دیگری که در حوزه علم‌پژوهی با آن مواجهیم، مانند پرسش‌های جامعه‌شناسی، اقتصادی، تاریخی و پرسش‌های دیگر، هم‌پای پرسش‌های فلسفی و سیاسی ما رشد پیدا می‌کند. درنتیجه این رشد نامتوازن علم‌پژوهی، ما از درون این مطالعات نتوانسته‌ایم دریچه‌ای به مطالعات دانشگاهی باز کنیم. ما برای آینده نیازمند این هستیم که محققان به نکاتی که درباره مطالعات دانشگاهی و علم‌پژوهی و پیوندهای آن اشاره کردم، توجه کنند و آن را گسترش دهند.

مطالعات دانشگاهی در دهه‌های اخیر این امکان را داشته تا رشته‌های علوم تربیتی و مطالعات برنامه درسی برخی رشته‌های حوزه‌های دیگر را تجربه کند، به‌عنوان مثال امروزه باید آگاهی بیشتری در حوزه یادگیری-یاددهی داشته باشیم. هم‌اکنون پیشرفت‌هایی در زمینه برنامه درسی و بسط مطالعات در زمینه



سیاستگذاری دانشگاه‌ها داشته‌ایم و با مطالعات در زمینه وضعیت دانشجویان و استادان، برگ‌های اولیه آن شکل گرفته است.

این مطالعات نتوانسته برای ما به صورت قلمروهای انباشته دربیاید. مطالعات دانشگاهی مستلزم این است که حوزه‌های گوناگونی را شکل دهد. دانشگاه مانند دانشجویان، کارکنان، اساتید، تکنولوژی‌های آموزش عالی، هرکدام باید به صورت زیرمجموعه‌های مطالعات دانشگاهی در آید و شاخه‌های علمی این مطالعات گسترش پیدا کند. مادر زمینه‌مطالعه درباره استادان یا پژوهش در این زمینه، پیشرفت‌های بسیار محدودی داشته‌ایم. بسیاری از ایده‌ها و مساله‌ها، موقعیت‌ها و چالش‌هایی که آنها با آن مواجهند، راه‌ها و روش‌های بالندگی استادان و حتی پرسش‌های صنفی در این زمینه، از جمله نیازهای معرفتی، حرفه‌ای و شغلی آنها، همه پرسش‌هایی مهم در زمینه مطالعات دانشگاهی هستند که درباره آنها دانش و تجربه اندکی داریم، به همین ترتیب در حوزه کارکنان دانشگاه نیز مطالعات ویژه‌ای شکل نگرفته است. مادرانش و چشم‌انداز‌های ناچیزی درباره کارکنان دانشگاه‌ها در اختیار داریم. امروز به دلیل گستردگی دانشگاه‌ها گروه کثیری به‌عنوان کارشناس، کارمند، مدیر و کارگردان در دانشگاه فعالیت می‌کنند و عملکرد آنها تأثیر جدی بر شیوه عملکرد دانشگاه دارد. مطالعات دانشگاهی درصورتی می‌تواند در راستای حل مسائل جامعه قرار گیرد که مطالعات کارکنان رشد یابد و به پرسش‌های کلیدی ما برای بهبود سازمان و مدیریت دانشگاه پاسخ دهد. همچنین ما درباره مطالعات دانشجویان، که از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های مطالعات دانشگاهی است، از توسعه کمی و کیفی قابل‌قبولی برخوردار نیستیم. البته مطالعات دانشجویان از سایر مطالعات توسعه‌یافته‌تر است؛ به دلیل نیاز مبرمی که به ویژگی‌های کمی دانشجویان داشته‌ایم یا به دلیل چالش‌ها و آسیب‌های رفتاری بین دانشجویان تحقیقات ارزشمندی انجام شده است اما این تحقیقات همچنان پراکنده است و از نظر کارکردی از نقصان جدی رنج می‌برد. با توجه به این نکات، مطالعات دانشجویان باید در اولویت مطالعات دانشگاهی قرار گیرد.

# دانشگاه

### گفتاری درباره جریان‌شناسی دانشگاه‌پژوهی در ایران از دکتر نعمت‌الله فاضلی / بخش دوم

# باید مطالعات تطبیقی درباره دانشگاه‌های شرقی را گسترش دهیم

چندی پیش بخش اول گفتاری از دکتر نعمت‌الله فاضلی، عضو هیات‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در روزنامه «فرهیختگان» منتشر شد. در این گفتار، فاضلی به تحلیل وضعیت دانشگاه‌پژوهی با مطالعات دانشگاهی در ایران پرداخته و گفته بود با آغاز موج جدیدی از گسترش دانشگاه و توسعه نهاد‌های آموزش عالی، دانشگاه تبدیل به نهادی توده‌ای و همگانی شد که همه گروه‌های اجتماعی امکان ورود به آن را پیدا کردند و در این نوع دانشگاه جدید کیفیت آموزشی از چالش‌های اصلی در سراسر جهان از جمله ایران شده است. وی همچنین با اشاره به شکل‌گیری نوعی هژمونی رسانه‌ای در مطالعات دانشگاهی توضیح داده بود افرادی که آشنایی حداقلی با حوزه دانشگاه و مطالعات آموزش عالی ندارند، در زمینه دانشگاه‌پژوهی اظهارنظر می‌کنند. درحالی که گفت‌وگوی جدی انتقادی و میان‌رشته‌ای در مطالعات دانشگاه‌پژوهی وجود ندارد. عدم وجود پیوند و گفت‌وگوی انتقادی با گفتمان جهانی دانشگاه‌پژوهی، دست‌نخورده ماندن بسیاری از دستسورکارهای دانشگاهی و آموزش عالی، وجود چالش در مطالعات تاریخی و مطالعات فرهنگی و انسان‌شناسی دانشگاه، عدم تأثیرگذاری مطالعات دانشگاهی بر فرآیند رهبری و مدیریت آموزش عالی از دیگر موارد اشاره‌شده در این گفتار بود. بخش دوم این گفتار معطوف به پیشنهادهایی برای آینده نهاد دانشگاه است. وی در بخشی از این گفتار می‌گوید: «در ایران مطالعات دانشگاهی در سال‌های اخیر شروع به بازشدن و الهام گرفتن از مطالعات جهانی کرده است. این روند با ترجمه کتاب‌ها از زبان انگلیسی ایجاد شده است. اگرچه ما شدیداً به این گشودگی و استفاده از مطالعات دانشگاهی در جهان و غرب نیازمندیم اما از آنجا که ایران یک کشور شرقی و درحال توسعه با آسیایی‌ها و مسلمانان شباهت‌های بیشتری دارد، لذا ما نیازمند آشنایی بیشتر با دانشگاه‌های کشورهای اسلامی، شرقی و آسیایی هستیم. متأسفانه در روند کنونی توسعه مطالعات دانشگاهی در ایران، این مطالعات تطبیقی هنوز شکل نگرفته است. ما نه تنها درباره دانشگاه‌های آمریکای لاتین، هند و آسیای شرقی، اطلاعات کمی داریم بلکه درباره دانشگاه‌های ترکیه و کشورهای غربی هم اطلاعات مان ناقص است. متن این گفتار را در ذیل می‌خوانید.

#### تمام حوزه‌های دانشگاه

#### نیازمند مطالعات جدی است

نزدیک به چهار میلیون دانشجو در کشور درحال تحصیل هستند و به لحاظ جمعیت باید آن را بدنه اصلی نیروی جوان و خلاق کشور دانست. ما در زمینه مطالعه دقیق و خلق دانش نظری همسو و همگام با رشد کمیت دانشجویان در کشور موفق نبوده‌ایم. با توجه به این نکات می‌توان گفت آینده مطالعات دانشجویان اگر بخواهد روندی کارآمد و توسعه‌یابنده باشد باید مواردی را که ذکر کردیم، در نظر گرفت. اما گمان می‌کنم تمام حوزه‌های دانشگاه نیازمند مطالعات جدی است. حتی مطالعات مربوط به معماری دانشگاه خود در جهان به شاخه مطالعاتی جدیدی تبدیل شده است، باید در ایران گسترش پیدا کند. امروز یکی از بزرگ‌ترین فضاهای سازماندهی‌شده کشور دانشگاه‌ها هستند. در نقاط مختلف کشور بهترین نقاط شهر به دانشگاه‌ها اختصاص یافته‌اند. دانشگاه‌ها از نظر سرمایه اقتصادی، زمین و... از ارزش مادی، معنوی و نمادین چشمگیری برخوردار هستند. دانشگاه‌ها در سراسر جهان در شکل دادن به سیمای شهر از نظر پیشبرد زیبایی‌شناسی همواره نقش کلیدی داشته‌اند. متأسفانه در ۴۰ سال گذشته توسعه‌فضاهای کالبدی و معمارانه از لحاظ کمی بسیار چشمگیر بوده اما از نظر زیبایی و معماری توسعه به‌نحو آشکاری غیرقابل قبول بوده است، به‌طوری که در اکثر استان‌ها بر پایه ارزش‌های معماری نیست. این امر باعث شده تا هم‌ما از ارزش‌های زیبایی‌شناختی دانشگاه محروم شویم و هم مهم‌تر از آن، دانشگاه‌های فاقد فرم‌های معماری تأثیر منفی و مخربی بر کیفیت تجربه دانشجویان به جا بگذارند. ما در روند آینده مطالعات دانشگاهی باید جایگاه ویژه‌ای برای مطالعات معماری دانشگاه اختصاص دهیم، در بعضی از کشورها حوزه مطالعات معماری دانشگاه، حوزه‌ای توسعه‌یافته است.

#### شرط موفقیت مطالعات دانشگاهی

در هر صورت مطالعات دانشگاهی زمانی می‌تواند کارآمد باشد که نتواند به پرسش‌های جامعه‌شناسانه ما درباره دانشگاه پاسخ دهد. پرسش‌هایی از این نوع که چه نوع پیوندهایی میان دانشگاه ایرانی و جامعه ما وجود دارد و دانشگاه‌ها چه تأثیراتی بر تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ما دارند؟ ما برای اینکه بتوانیم پیوند میان دانشگاه و جامعه و فرهنگ را فهم‌پذیرتر کنیم، نیازمند آن هستیم که شاخه‌ای از مطالعات دانشگاهی را که به پرسش‌های کلی در این زمینه می‌پردازد، توسعه دهیم. جامعه ما تا حدودی به این پرسش‌ها توجه داشته اما این پرسش‌ها بیشتر جنبه فکری و روشنفکری دارد و در حوزه عمومی روزنامه‌نگاران ما، فعالان سیاسی و اجتماعی بحث شده است. ما برای اینکه بتوانیم پرسش جامعه و دانشگاه را به نحو دقیقی ارزیابی کنیم نیازمند مطالعات نظام‌مند، روش‌مند و مستقلی هستیم که از احاطه آکادمیک‌ از اعتبار و کیفیت لازم برخوردار باشد. از ابتدای شکل‌گیری دانشگاه در ایران و حتی پیش از آن از تاسیس دارالفنون، پرسش‌های مربوط به پیوند و کیفیت روابط دانشگاه با ایران مطرح شد اما هیچ‌گاه در دستورکار جدی مطالعاتی ما قرار نگرفت. از برخی مطالعات فردی مانند مقصود فراستخواه و محمدامین قانع‌ی‌راد که بگذریم، متأسفانه از نوعی مطالعات سامان‌یافته برخوردار نیستیم، از این‌رو یکی از روندهای توسعه آینده مطالعات دانشگاهی در ایران همین مطالعات جامعه‌شناسی دانشگاه است.

#### چالش‌های دانشگاه ایرانی

نهاد دانشگاه در ایران درحال حاضر با چالش‌های بنیادینی روبرو است. یکی از این چالش‌ها این است که دانشگاه ایرانی در تاریخ یک قرن خود به نحوه آشکاری با پرسش‌های الهیاتی و دینی نیز مواجه بوده است. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی با توجه به ماهیت دینی نظام سیاسی، پرسش‌های دینی در برابر دانشگاه قرار داشته است. پاسخی که ما تاکنون در این زمینه داده‌ایم یا در قالب علم‌پژوهی و بحث‌های کلامی، الهیاتی و فلسفی بوده است یا نوعی سیاستگذاری که سیاست و قدرت آن را بنیانگذاری کرده‌اند. به همین دلیل پرسش‌های پیوند دین و دانشگاه و چگونگی ارتباط آنها با تأثیر و تأثر متقابل میان آنها، تاکنون نتوانسته نوعی قلمرو مستقل برای مطالعات دانشگاهی شکل دهد. اگر می‌خواهیم این مطالعات را از حالت سیاسی یا علم‌پژوهانه و مفهومی و انتزاعی خارج کنیم، باید بتوانیم این پرسش‌را دستور کار قلمرو مطالعات مستقل قرار دهیم. بسیاری از چالش‌های ما در دانشگاه تحت‌تأثیر پرسش چگونگی روابط بین نهاد دین و نهاد دانشگاه است. سیطره سیاست بر این حوزه یکی از موانع توسعه این مطالعات شده است. از طرفی محدودیت‌های سیاسی، هزینه گسترش این مطالعات را بالا می‌برد و اجازه گسترش آن را عملاً نمی‌دهد.



دانشگاه در ایران، چنین جایگاهی را برای آن در عرصه عمومی اختصاص ندادیم. شاید تنها کاری که در این زمینه انجام دادیم، انتشار روزنامه «فرهیختگان» است که به‌عنوان روزنامه مخصوص دانشگاه عمل می‌کند. البته این روزنامه نیز به مطالبی غیر از آموزش عالی می‌پردازد و نمی‌توان گفت این روزنامه، روزنامه آموزش عالی در ایران است. در روزنامه‌های دیگر نیز به شکل پراکنده، مساحبه‌ها و مطالب مرتبط منتشر می‌شود اما آنها نیز جایگاه مستقل و ویژه‌ای برای دانشگاه ایجاد نکرده‌اند. رشد و توسعه توجه به نهاد آموزش عالی در گرو این است که ما تلاش کنیم نهاد آموزش عالی را در کانون توجه افکار عمومی قرار دهیم. از طرف دیگر مقالات و کتاب‌ها نیز بسته‌گریخته و ناکارآمد در حوزه عمومی منتشر می‌شوند. تیراژ محدود باعث می‌شود که نتوانند به صورت یک گفتمان عمومی در جامعه ایران عمل کنند. من گمان می‌کنم ما نیازمند این هستیم که با مباحث دانشگاه‌ها نه‌فقط سیاسی بلکه از منظر کل موضوعاتی که دانشگاه با آن روبرو است، برخورد کنیم. در تمام دهه‌های گذشته کم و بیش این جنبه‌ها و جلوه‌های سیاسی دانشگاه، به حوزه عمومی راه یافته و مباحث فرهنگی دانشگاه و مباحث اشاره‌شده هیچ‌کدام به شکل موثری به حوزه عمومی کشیده نشده است. در نظر بگیریم بحث معماری دانشگاه را که برای جامعه ما از اهمیت اقتصادی و فرهنگی چشمگیری برخوردار است. من تصور نمی‌کنم به تعداد انگشتان دست هم مطلب و ایده در این حوزه در عرصه عمومی بتوانیم بیابیم. اگر حساب کنیم هزاران هزار میلیارد سرمایه اقتصادی و هزاران هکتار اراضی صرف دانشگاه‌ها شده است. اگر نقش و اهمیت معماری دانشگاه در سیمای شهر و کیفیت فرآیند یادگیری را درنظر بگیریم، در آن صورت می‌توانیم درک کنیم کم‌توجهی حوزه عمومی دانشگاه چه پیامدهای مهمی برای جامعه ما داشته است. از این‌رو توسعه و ارائه بحث دانشگاه در حوزه عمومی راهی است برای اینکه بتوانیم اهمیت نهاد دانشگاه را برای جامعه یادآور شویم و امکان توجه مردم به دانشگاه را فراهم سازیم. باید این واقعیت را در نظر بگیریم که نهاد دانشگاه، امروزه نهادی محدود نیست که جمعی از نخبگان با آن سروکار داشته باشند بلکه اقشار مختلفی با آن سروکار دارند. دانشگاه مانند مسائل اقتصادی، مسکن، محیط‌زیست و مسائل اجتماعی باید به حوزه عمومی راه یابد و ازجمله دستسورکارهای جدی و مدام حوزه عمومی شود، متأسفانه ما در این زمینه بسیار غفلت کرده‌ایم. ما در زمینه‌های سیاسی یا جنبش دانشجویی و ۱۶ آذر یا گاهی انتخاب وزیر علوم مسائلی درباره دانشگاه در حوزه افکار عمومی می‌بینیم، درحالی که انبوهی از مسائل دانشگاه پشت‌درمی‌بسته و پنهان از دید افکار عمومی مشکل می‌گیرد و حل‌نشده باقی می‌ماند و به تدریج بحران دانشگاه را شکل می‌دهد.

ما امروزه از واژه بحران برای توصیف وضعیت حاد مساله‌هایمان استفاده می‌کنیم، برای مثال می‌گوییم بحران محیط‌زیست، تورم، و... من گمان می‌کنم امروزه ما با بحران دانشگاه هم روبرو هستیم. اما از آنجا که حوزه عمومی از نهاد دانشگاه غفلت ورزیده است، واژه بحران دانشگاه هنوز به نحو جدی و تأثیرگذار از حوزه عمومی شنیده نمی‌شود.

از طرف دیگر پیوندهای دین و دانشگاه در ایران امروز ما بیشتر از اینکه پرسشی محققانه باشد، به پرسشی در حوزه سیاستگذاری تبدیل شده و سیطره عمل‌گرایی مانع از آن شده است و روابط آنها را با دقت بکاویم و نوعی زبان محققانه برای فهم این حوزه به‌وجود بیاوریم. از همان سسال‌های نخست شکل‌گیری جمهوری اسلامی، ایده وحدت حوزه و دانشگاه به‌عنوان یک ایده سیاسی شکل گرفت. این ایده اگرچه زمینه انتشار کتاب‌ها و مقالات گوناگون و همایش‌ها شد اما به دلیل هژمونی سیاسی حاکم بر این ایده نتوانستیم زمینه مطالعات انتقادی و مستقلی را در این زمینه به حد کافی گسترش دهیم. مطالعات دانشگاهی در ایران حداقل تا زمانی که حکومت ایران مذهبی است، نمی‌تواند راه خود را بدون مطالعه دقیق برای پاسخ به پرسش‌های نهاد‌های دانشگاه بیابد.

#### نیاز آشنایی بیشتر با دانشگاه‌های شرقی

مطالعات دانشگاهی در ایران در سال‌های اخیر شروع به بازشدن و الهام گرفتن از مطالعات جهانی کرده است. این روند با ترجمه کتاب‌ها از زبان انگلیسی ایجاد شده است. اگرچه ما شدیداً به این گشودگی و استفاده از مطالعات دانشگاهی در جهان و غرب نیازمندیم اما از آنجا که ایران به‌عنوان یک کشور شرقی و درحال توسعه با آسیایی‌ها و مسلمانان شباهت‌های بیشتری دارد، لذا ما نیازمند آشنایی بیشتر با دانشگاه‌های کشورهای اسلامی، شرقی و آسیایی هستیم. متأسفانه در روند کنونی توسعه مطالعات دانشگاهی در ایران، این مطالعات تطبیقی هنوز شکل نگرفته است. ما نه تنها درباره دانشگاه‌های آمریکای لاتین، هند و آسیایی شرقی، اطلاعات کمی داریم بلکه درباره دانشگاه‌های ترکیه و کشورهای غربی هم اطلاعات مان ناقص است. ما برای اینکه بتوانیم پیوند میان دانشگاه و جامعه و فرهنگ را فهم‌پذیرتر کنیم، نیازمند آن هستیم که شاخه‌ای از مطالعات دانشگاهی را که به پرسش‌های کلی در این زمینه می‌پردازد، توسعه دهیم. جامعه ما تا حدودی به این پرسش‌ها توجه داشته اما این پرسش‌ها بیشتر جنبه فکری و روشنفکری دارد و در حوزه عمومی روزنامه‌نگاران ما، فعالان سیاسی و اجتماعی بحث شده است. ما برای اینکه بتوانیم پرسش جامعه و دانشگاه را به نحو دقیقی ارزیابی کنیم نیازمند مطالعات نظام‌مند، روش‌مند و مستقلی هستیم که از احاطه آکادمیک از اعتبار و کیفیت لازم برخوردار باشد. از ابتدای شکل‌گیری دانشگاه در ایران و حتی پیش از آن از تاسیس دارالفنون، پرسش‌های مربوط به پیوند و کیفیت روابط دانشگاه با ایران مطرح شد اما هیچ‌گاه در دستورکار جدی مطالعاتی ما قرار نگرفت. از برخی مطالعات فردی مانند مقصود فراستخواه و محمدامین قانع‌ی‌راد که بگذریم، متأسفانه از نوعی مطالعات سامان‌یافته برخوردار نیستیم، از این‌رو یکی از روندهای توسعه آینده مطالعات دانشگاهی در ایران همین مطالعات جامعه‌شناسی دانشگاه است.

#### روزنانه «فرهیختگان» به‌عنوان روزنامه

#### مخصوص دانشگاه عمل کند

در مجموعه بحث‌های انجام‌شده، تلاش کردم چگونگی انجام مطالعات دانشگاهی در ایران و چشم‌اندازهای آینده این مطالعات را توضیح دهم. از آنجا که رشته‌ها، انجمن‌ها و موسسات پژوهشی در ایران در زمینه دانشگاه و آموزش عالی در جریان به‌وجود آمده است، ما می‌توانیم امیدوار باشیم که مطالعات دانشگاهی را خوب بکاویم و آن را در کانون ارزیابی‌های خود قرار دهیم و مطالعات این حوزه را توسعه دهیم و راهبردها و راهکارهای بهتری برای آموزش عالی در ایران به وجود آوریم. اما در عین حال باید این نکته را در نظر داشت که گسترش مطالعات دانشگاهی مستلزم توسعه توجه ما به این حوزه در عرصه عمومی نیز هست.

در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، روزنامه‌های معتبری مثل گاردین، واشنگتن پست، تایمز، لوموند، فیکارو و... معمولاً بخش ویژه‌ای به آموزش عالی اختصاص می‌دهند و مطالب مرتبط به صورت نظام‌مند و مستمر در آنها انعکاس پیدا می‌کند. متأسفانه به‌رغم جایگاه

## آگهی مناقصه

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات در نظر دارد نسبت به واگذاری عملیات راهبری و نگهداری فضای سبز، جنگل‌کاری ارتفاعات، خدمات شهری و جمع‌آوری پسماند را به شرکت‌های واجد شرایط از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا از شرکت‌های معتبر و دارای صلاحیت که توانمندی اجرای عملیات فوق‌الذکر را دارند دعوت به عمل می‌آید طرف مدت ۱۰ روز کاری از درج آگهی جهت خرید اسناد مناقصه با ارائه معرفی‌نامه و فیش واریزی به مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال (غیرقابل استرداد) به شماره حساب ۰۰۲۰۶۹۸۹۲۵۷۰۰۲ نزد بانک ملی ایران شعبه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات در ساعات اداری به نشانی: تهران- انتهای بزرگراه شهید ستاری شمال- به سمت حصارک- واحد علوم و تحقیقات - ساختمان علوم پایه- طبقه اول شمالی- اداره خدمات مراجعه نمایند (تلفن تماس: ۰۱۰۴۴۸۶۶۰۱۰ داخلی ۳۳۲۵). مهلت و محل تحویل پاکات پایان وقت اداری (ساعت ۱۶) روز سه‌شنبه مورخ ۹۷/۸/۲۹ به دبیرخانه حراست واقع در طبقه چهارم شمالی ساختمان علوم پایه- طبقه اول شمالی- اداره خدمات باشد. ضمناً هزینه آگهی‌ها برعهده برنده مناقصه بوده و دانشگاه در رد یا قبول پیشنهاد دارای اختیار تام می‌باشد. بدیهی است کلیه مفاد این‌نامه معاملات دانشگاه حاکم بر تشریفات مناقصه می‌باشد.

روابط عمومی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی